



داده‌اند. از طرفی کشورهای منطقه نیز از این همکاری‌های اقتصادی، هم به جهت تأمین منافع و کمک به توسعه و هم به جهت ایجاد استقلال و آزادی عمل در برابر آمریکا - که معمولاً حرف خود را به شرکای خود تحمیل می‌کند - استقبال کرده‌اند. از طرفی رویکرد ظاهری و لفظی چینی‌ها در این سال‌ها نسب به آمریکا غیرسلطه‌گرایانه بوده و سعی داشته همواره با گفت‌وگو بین طرفین در درگیری‌های مختلف خاورمیانه امنیت و آرامش ایجاد کند. چین همواره آمریکا را به دلیل بی‌پروایی‌هایش در منطقه سرزنش کرده است و تحرکات آمریکایی‌ها را عامل اصلی ناامنی منطقه می‌داند. البته اگر چینی‌ها تمایل داشته باشند که مانند آمریکا از طریق برخوردهای سخت نظامی - امنیتی کار خود را در منطقه دنبال کنند، قطعاً در

حال حاضر قدرت نظامی لازم را ندارند. این رویکرد چین در دسامبر ۲۰۲۳ به اوج خود رسید؛ جایی که از طریق میانجی‌گری میان ایران و عربستان، تلاش کرد تا آن‌ها روابط دیپلماتیک خود را بعد از سال‌ها دوباره برقرار کنند. این در شرایطی صورت گرفت که کسی امیدی به برقراری دوباره روابط عادی میان ایران و عربستان نداشت. این بزرگ‌ترین نقش‌آفرینی چین برای برقراری آرامش و امنیت در منطقه به شمار می‌رفت. غیبت آمریکایی‌ها در این مذاکرات بسیار برجسته بود و برای آن‌ها شکست محسوب می‌شد.

روایتی که چین مطرح کرده این است که کشورها می‌توانند روابط خود با چین را در کنار روابط خود با کشورهای غربی توسعه دهند. این در اصل درست است؛ اما در عمل، این امر پیچیده‌تر شده است. دولت‌های غربی ادعا می‌کنند که سرمایه‌گذاری‌های فناوری چین در منطقه با هدف تعبیه ابزارهایی برای جاسوسی چینی‌ها است. در نتیجه، گاهی اوقات دولت‌های غربی دستیابی دولت‌های منطقه به آن فناوری را مانعی در برابر طیف وسیعی از ترتیبات امنیتی مشترک می‌دانند. تا این‌جا توصیفی کلی از اقدامات چین و مواضع کشورهای منطقه نسبت به چین داشتیم تا بتوانیم واکنش چین به بحران کنونی دریایی سرخ را بهتر واکاوی کنیم. چین برعکس آمریکا و دیگر کشورهای غربی موضع تند و صریحی علیه انصارالله و ایران نگرفته است، کما اینکه عملیات طوفان الاقصی را نیز محکوم نکرد. پس از شروع عملیات انصارالله یمن علیه کشتی‌های عمدتاً اسرائیلی، آمریکایی و انگلیسی، غربی‌ها از چین خواستار این بودند که به ایران فشار بیاورد تا یمنی‌ها را کنترل کند. چینی‌ها تاکنون چنین کاری را به طور رسمی انجام نداده‌اند و صرفاً رویترز ادعایی را در روزهای گذشته مبنی بر هشدار چینی‌ها به ایران مطرح کرده است که مقامات جمهوری اسلامی آن را تکذیب کرده‌اند.

پس از ایجاد ناامنی در دریای سرخ که حدود یک سوم تجارت جهانی از آن می‌گذرد، بسیاری از کشتی‌های تجاری دنیا مسیر خود را به سمت جنوب آفریقا تغییر دادند. به این ترتیب حدود ۱۰ روز حمل و نقل‌ها بیشتر طول خواهد کشید و متناسب با آن هزینه‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. با این‌که انصارالله اعلام کرده است که کشتی‌های چینی در امان هستند، اما باز هم ۹۰ درصد کشتی‌های چینی اکنون دیگر از دریای سرخ عبور نمی‌کنند. البته این موضوع

برای چینی‌ها فشار اقتصادی زیادی ایجاد نکرده است. در حالی که هزینه‌های حمل و نقل و حق بیمه برای یک کانتینر استاندارد ارسال شده از چین به اروپا از ۱۵۰۰ دلار به ۴۰۰۰ دلار افزایش یافته است، این مقادیر هم‌چنان پایین‌تر از سطح دوران کووید-۱۹ هستند؛ جایی که هزینه‌ها به ۱۴۰۰ دلار افزایش یافت. به طور مشابه، تأثیرات این بحران بر واردات انرژی چین نیز نسبتاً قابل کنترل بوده است؛ قیمت نفت تنها حدود ۴ درصد جهش کرده و به ۷۸ دلار به ازای هر بشکه رسید (کمتر از ۸۴ دلار به ازای هر بشکه قبل از عملیات طوفان الاقصی). در نتیجه بعید است که این شوک شدیدی به اقتصاد چین وارد کند.

قدرت بزرگ خارجی دیگر منطقه یعنی آمریکا طبق سنت خود به پاسخ‌های نظامی روی آورد و سعی کرد ائتلاف نظامی بین‌المللی علیه یمن ایجاد کند که در تشکیل این ائتلاف تا حدی شکست خورد و از همه مهم‌تر چین به آن نپیوست.

چین صرفاً بیانه‌هایی مبتنی بر گفت‌وگو از طریق مجاری بین‌المللی داده است و اصلاً تمایلی به این‌که به طور جدی وارد درگیری شود یا به طرفین فشاری بیاورد، ابراز نکرده است؛ از این جهت که چین آمریکا و اقداماتش، نظیر حمایت از رژیم صهیونیستی، را علتی بر ایجاد ناامنی و بحران می‌داند. از طرف دیگر با وجود این‌که چین خود تمایلی به وجود ناامنی در دریای سرخ ندارد، اما اگر وارد ائتلاف نظامی آمریکا علیه یمن شود به معنای اعتراف به پرچمدار بودن آمریکا از حیث قدرت اول نظامی و امنیتی خواهد بود. این مسئله طبیعتاً برای چینی‌ها که می‌خواهند هژمونی آمریکا را در منطقه از بین ببرند، بسیار ناخوشایند است. هم‌چنین علاوه بر این‌که چینی‌ها دچار بحران اقتصادی شدید نشده‌اند، کشورهای دیگر نیز بار خود را از طریق کشتی‌های چینی - که انصارالله اعلام کرده است کاری با آن‌ها ندارند - ارسال می‌کنند که این سبب کسب درآمد برای کشتی‌های چینی خواهد بود.

در انتها باید در نظر داشت که بحران‌های بلندمدت در منطقه قطعاً برای چینی‌هایی که سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام داده‌اند ناخوشایند خواهد بود. هم‌چنین توجه به این نکته ضروری است که دریای سرخ یک مکان استراتژیک برای جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم پکن است که چین را به خاورمیانه، آفریقا و اروپا متصل می‌کند. باید دید چینی‌ها در ادامه نیز همین رویه را در قبال بحران‌های منطقه ادامه خواهند داد یا خیر.